

بسم الله الرحمن الرحيم

فرمت مشترک برنامه‌های میان مدت میز کارهای تخصصی (عناصر مشترک الزامی در بسته جامع حل مسئله)

فرم شماره ۱

شناسنامه اجمالی مسئله

عنوان مسئله:

« کارآمدی » در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

توصیف چستی:

میز مبانی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، در خلال بحث و بررسی کل نگرانه و گفتگوهای روشمند، « کارآمدی^۱ نظام جمهوری اسلامی ایران » را از حیث نظریه پردازی در سه عرصه: ساختار، کارگزار و فرایند (با تاکید بر مبانی: ۱. مبانی فقهی- حقوقی ۲. مبانی فلسفی - کلامی ۳. مبانی اخلاقی- ارزشی ۴. مبانی تجربی- جامعه شناختی) به عنوان نقطه کانونی مساله مورد اهتمام خود برگزیده است.

مساله کارآمدی یعنی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در سه عرصه ساختاری، کارگزاری و فرایندی، از حیث نظریه پردازی معطوف به: ۱. مبانی فقهی- حقوقی ۲. مبانی فلسفی - کلامی ۳. مبانی اخلاقی- ارزشی ۴. مبانی تجربی- جامعه شناختی، دچار ضعف و مسایلی شده است که سبب شده است خروجی ها با اهداف بلند آن تناسب نداشته باشد.

مراد از « مبانی سیاسی کارآمدی »: منظور از « مبانی سیاسی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران » آن دسته از مبادی تصدیقی قریب و مسایل مهم نظری است که تقویت و تحکیم مبانی تئوریک نظام جمهوری اسلامی ایران بر حل آنها استوار است. مبادی و مسایل فوق تاثیر گذار و تأمین کننده پیش فرض های بنیادی (فلسفی / کلامی)، پاسخ دهنده به پرسش های اساسی (فقهی / حقوقی)، ارایه کننده اصول اخلاقی (اخلاقی / ارزشی) و تبیین کننده الزامات قانونی (تجربی / جامعه شناختی) نظام جمهوری اسلامی ایران است.

بطور خلاصه مراد از مبانی، یک نگاه دو وجهی است: یعنی اگر چه مبناها و پیش فرضها مد نظر است ولی بیشتر مسایل بنیادین مطمع نظر است. از این رو کارآمدی یکی از مسایل بنیادین نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین اول اینکه؛ ماهیت و سنخ مسایل استخراج شده در ذیل مساله ضعف کارآمدی و نیز پاسخ به آن، به گونه ای است که؛ موجب تحکیم و غنابخشی تئوریک و نیز کارآمدی نظام خواهد شد. دوم اینکه؛ نظام موضوعات استخراج شده، ناظر به خلاء های پنهان و مغفول مانده نیز خواهد بود، چون خیلی از: چالش ها، گره ها و ناکارآمدی هایی که وجود دارد به جاهایی بر می گردد که مغفول مانده و در آن عرصه ها، کار جدی نشده است. سوم اینکه؛ مسایل استخراج شده و راه حل های ارایه شده، به گونه ای خواهد بود که؛ مدل و نظریه جمهوری اسلامی، البته با حفظ مبانی ارزشی آن، (همانند دیگر کلان نظریه های سیاسی مثل لیبرالیسم و سوسیالیسم) وقتی در میدان عمل، با چالش و مشکل مواجه می شود، امکان بازنگری تئوریک را فراهم کرد

ابعاد، سطوح و عوامل « کارآمدی » (صورت بندی مساله):

در باب تبیین کارآمدی به عنوان پدیده ای سیاسی و اجتماعی، رویکرد ها و معیارهای متفاوتی بیان شده است. در یک دیدگاه، در تبیین پدیده های اجتماعی و سیاسی می توان سه گونه تبیین را به آسانی شناسایی کرد: آن دسته از نظریه ها و تبیین هایی که عوامل ساختاری یا عوامل متعلق به بستر را مقدم می دانند، **ساختارگرا** و آن دسته از تبیین ها و نظریه هایی که اولویت را به عوامل **کارگزاران** می دهند، اراده گرا و آنهایی است که در تبیین پدیده های سیاسی - اجتماعی، ساختار و کارگزار را مستلزم هم دانسته و به هر دو متمسک می شوند که بدان **ساختار - کارگزار** گویند. به نظر می رسد برای مساله شناسی و ارایه راهکار در خصوص ضعف کارآمدی نظام جمهوری اسلامی دیدگاه سوم، مناسب تر باشد.

^۱ **معنای کارآمدی:** کارآمدی یعنی «توانمندی نظام در تحقق اهداف و انجام کارویژه های اساسی خود»، به گونه ای که کارایی و کارآمدی لازم برای حل مشکلات جامعه را داشته باشد. بنابراین کارآمدی با مفاهیمی همچون: کاردانی، مصلحت محوری، شایستگی، عقل گرایی، عدالت جویی، آزادی سیاسی، تعهد و تدین، تخصص، شایستگی، انتقاد پذیری، پاسخگویی، قانون گرایی، نظارت مدنی، مقبولیت و مشارکت مردمی و مشروعیت دینی، ارتباط نزدیکی دارد.

بنابراین: ابعاد مسأله «ضعف کارآمدی» در سه سطح: ساختارها و نهادها، کارگزاران و مجریان، فرآیندها و روندها، قابل ردیابی است که برخی از سوالات آن بشرح ذیل است:

۱. نارسایی های شناختی، انگیزشی و رفتاری مدیران ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ (مشکل در مدیریت است)
۲. ضعف های ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ (مشکل در ساختار سیاسی است)
۳. نارسایی های ساختار حقوقی و قانون گذاری نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ (مشکل در «قانون» است)
۴. ضعف های قضایی و دادگستری نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟
۵. ضعف های نهاد های اجرایی نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ (مشکل در قوه مجریه است)
۶. ضعف های نهاد های نظارتی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟
۷. ضعف های نهاد های نظارتی غیر رسمی (نهادهای مدنی و حزبی) نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ (مشکل فقدان نهادهای مدنی کارآمد است)
۸. خلاء تئوریک در زمینه شناخت فقدان کارآمدی و راهکارهای آن در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران
۹. نارسایی فرایندی و روندها موجب ناکارآمدی شده است.

درجه اهمیت:

از مباحث بسیار مهم و بحث‌انگیز در اندیشه سیاسی، بحث کارآمدی نظام سیاسی است. این بحث از آن رو اهمیت فوق العاده یافته و می‌یابد که به جنبه‌های عینی و عملی موفقیت یک نظام در تحقق اهداف و برنامه‌هایش و وضعیت مادی و معنوی مردم نظر دارد. هر چند پرسش از کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی از بدو تأسیس، از دغدغه‌ها و پرسش‌های مطرح در میان برخی نخبگان داخلی و خارجی بود، اما اینک پس از گذشت بیش از سه دهه از حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران، تلاش در ارائه توصیفی واقع‌گرایانه از اهداف، عملکرد، امکانات و موانع جمهوری اسلامی ایران، راه را برای ارزیابی و ارتقا کارآمدی و تحکیم مبانی نظری آن، هموارتر می‌کند.

بدین لحاظ؛ تبیین (نه توصیف صرف) و نظریه پردازی در سه عرصه: ساختاری، کارگزاری و فرایندی برای حل مساله «ضعف کارآمدی نظام سیاسی»، به منظور ارتقا، پویایی، کارآمدی و تحکیم مبانی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، به منظور ایجاد جریان مصونیت بخش در قبال چالش های نظری و تئوریک نظام، ضرورتی عاجل می‌باشد.

سایر موارد ضروری به تشخیص میز:

در پاسخ به مساله «ضعف کارآمدی» دو رویکرد کلان قابل تصور است:

الف) رویکرد مدیریتی و اجرایی: یعنی رویکرد اجرایی و مدیریتی در جهت اصلاح رفتار اجرایی و مدیریتی کارگزاران، فرآیندها و ساختارهای نظام سیاسی، که با توجه به ماموریت، اهداف و قلمرو فعالیت های دفتر تبلیغات اسلامی، میز به دنبال آن نیست.

ب) رویکرد نظری و تئوریک: یعنی رویکرد تبیینی و نظریه پردازی به منظور حل مساله «ضعف کارآمدی» در عرصه های: ساختارها و نهادها، کارگزاران و مجریان، فرآیندها و روندها، با توجه به آموزه های دینی از حیث: ۱. مبانی فقهی- حقوقی ۲. مبانی فلسفی - کلامی ۳. مبانی اخلاقی- ارزشی ۴. مبانی تجربی- جامعه شناختی.

با توجه به اینکه این رویکرد با ماموریت و توانمندی دفتر تبلیغات تناسب دارد، مراد ما از راهبری، همین رویکرد (ب) می‌باشد.